
دوم

کوتاه آمدن

آیا این احساس شرم آور را گاهی تجربه کرده اید؟ آیا می دانید وقتی که در صف خرید می ایستید تا حساب خریدهای تان که از مغازه انجام داده اید را پرداخت کنید و ناگهان متوجه می شوید که برای پرداخت کامل حساب تان، نیاز به پول خورد دارید و برای یافتن شصت و پنج سنت دیگر، شروع به جستجوی جیب های تان می کنید؟

شخصاً بارها با این مسئله مواجه شده ام - از روی تجربه می گویم خیلی عذاب آور است. و هر باری که برای من این اتفاق می افتد، آرزو می کنم که ای کاش به اندازه کمتر از پول موجود در جیبم خرید می کردم.

در واقع، من از احساس کوتاه آمدن در هیچ زمینه خوشم نمی آید. چه کسی خوشش می آید تا در مسایلی روزمره زندگی اش کوتاه بیاید؟

و با این حال، همه ما به شکلی بسیار مهم کوتاه می آییم. بله! در مواجهه با پرداخت بدهی های گناهان مان³! بگذارید این مسئله را کمی بیشتر توضیح کنم.

تشخیص تک کلمه

برای درک تمام عدم قطعیت در مورد ابدیت - و این که چرا همه به طور خودکار ابدیت [زندگی ابدی در بهشت] را با خدا نمی گذرانند - باید یک تشخیص جامع از نژاد بشر را درک کنید - کلمه واحد که همه ما را توصیف می کند.

اگر بتوانید فقط از یک کلمه برای توصیف خود استفاده کنید، آن کلمه چیست؟

خوب؟ مهربان؟ خوش نیت؟

احتمالاً شما همه اینها هستید.

شاید امروز برای شما روز سختی بوده باشد و برای تعریف [وضعیتی که امروز با آن مواجه شده اید] کلمات دیگری بتواند گویای وضعیت تان باشد. شاید کلماتی مانند اینها...

روز سختی بدون هیچگونه دستاورد؟ روزی سپری شده با تنهایی مطلق؟ و یا گمان کردید که شاید امروز، روزی کاملاً پوچ و غیر منتظره یی برایتان بوده است؟

کلمات زیادی وجود دارد که می تواند همه ما را توصیف کند، اما یکی از کلماتی که هر فرد بشر را توصیف می کند، کلمه نیست که ما دوست داریم توسط آن تعریف شویم و معنی بیابیم: بله، آن کلمه، کلمه [گناهکار!] می باشد.

«لطفاً یک لحظه صبر کنید!» ممکن است بگوئید، «من گناهکار نیستم! مطمئناً، من کامل نیستم، کیست که ادعای کمال کند؟ ممکن است من حیث یک انسان، کوتاهی های داشته باشم، اما گناهکار؟ نه، به هیچ وجه. تا یادم می آید، صدقه داده ام. من به

³ وقتی ما از کم آوردن در صف خرید اینقدر احساس حقارت می کنیم، تصور کنید که کم آوردن نزد خداوند، چقدر دردناک خواهد بود؟ (مترجم)

همسایه ام کمک می کنم. من پدر و مادری دلسوز و دوست وفاداری هستم. ممکن است گاهی نامهربان به نظر بیایم، اما قطعاً گناهکار نیستم!»

اجازه دهید روشن کنم. تعریف من از گناه، دقیقاً همان تعریفی است که کتاب مقدس ارایه می دهد. من فقط از بزرگترین و وحشتناک ترین اعمال گناه صحبت نمی کنم. منظورم این نیست که شما از یک بانک سرقت کرده اید، کسی را به قتل رسانده اید، یا در لیست افراد تحت تعقیب اف بی آی⁴ هستید. همچنین منظورم این نیست که فقط شما گناهکار هستید - من نیز یک گناهکارم، همه افراد بشر گناهکار اند!

هر شخص صادقی تصدیق خواهد کرد که کار اشتباهی انجام داده است - که ما کامل نیستیم. کتاب مقدس این را در کتاب جامعه 7:20 تأیید می کند، «زیرا مرد عادل بر روی زمین نیست که نیکی کند و گناه نکند.»

رومیان 3:23 اینگونه می گوید: «زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه آمده اند.» آیا این عبارت «از جلال خدا کوتاه آمدن» را درک می کنید؟ همه ما می دانیم که گاهی اوقات کوتاهی می کنیم. ما همیشه انتظارات یا خواسته هایی را که زندگی بر ما تحمیل می کند برآورده نمی کنیم.

گناه اما نوع دیگری از کوتاه آمدن است. گناه صرفاً قضاوت بد (مثل زمانی که پول خرد هنگام پرداخت کم است) یا خطای انسانی (مثل فراموش کردن یک قرار) نیست، بلکه گناه هر عمل، فکر یا انگیزه است که خلاف قانون خدا باشد. این می تواند چیزی کاملاً مجرمانه (مثل سرقت از بانک) یا به ظاهر بی اهمیت باشد (مثل یک دروغ سفید برای خوب به نظر رسیدن) باشد.

و همه ما آن را انجام داده ایم. بهترین ما، بدترین ما! شما، من، همه ما گناه کرده ایم.

در آغاز - یک انتخاب

اگر اعتراف صادقانه این که بشر را گریز و گزیری از ارتکاب گناه نیست، و با این حال، این اعتراف صادقانه احساس بهتری در من و شما ایجاد می کند، پس ما با اعتراف صادقانه گرایش خود به گناه صادق هستیم! آیا متوجه می شوید که ما یک طبیعت گناه آلود را از مادر و پدر نخستین مان (آدم و حوا) به ارث برده ایم؟

لطفاً با من چند هزار سال قبل، به باغ عدن برگردید. شاید شما در مورد آن و از اولین والدین ما - آدم و حوا - که در آنجا زندگی می کردند شنیده باشید.

آن ها در آن باغ کاملاً عالی، زندگی خیلی آرام و پر از نشاط، و فارغ از همه دغدغه های معمول زندگی بشر را داشتند. باغ کاملاً عالی بود فراتر از تصورات ما، به حدی که حتی درک زیبایی های باغ عدن برای ما دشوار است. زیبا، مثمر، ثمر، و فوق العاده. و بهترین قسمت آن این بود که آدم و حوا رابطه کاملی با خدا داشتند. آنها حتی در «روشنایی روز» با خداوند قدم میزدند. حتی تصور این وضعیت زیباست؟ نیست؟ حتی فراتر از عالی است.

شما ممکن است از قبل داستان آدم و حوا را بدانید، اما اگر نمی دانید، می توانید این داستان را در کتاب پیدایش فصل 3 آیه های 1-7 بخوانید. من در اینجا کوشش می کنم خلاصه این داستان شگفت انگیز را برایتان نقل کنم: خدا آدم و حوا را در باغ عدن به راحتی کامل اسکان داد. آنها می توانستند از هر قسمتی از آن لذت ببرند و بخورند - به جز میوه یک درخت: «درخت معرفت خیر و شر». آدم و حوا چه کردند؟ آنها دچار وسوسه شیطانی شدند و از میوه همان یک درخت نیز خوردند. و بدین ترتیب گناه اول را آنها مرتکب شدند.

⁴ یکی از سازمان های استخباراتی که در زمینه جمع آوری اطلاعات، مبارزه با هراس افگنی و فعالیت های تروریستی، در جهت تامین امنیت پایدار، در ایالات متحده آمریکا فعالیت دارد.

به یاد داشته باشید که خداوند به آدم و حوا حق انتخاب داده بود. او می توانست آنها را از استفاده از میوه آن درخت مانع شود. او می توانست آنها را از نظر جسمی و عاطفی و حتی فیزیکی ناتوان از ارتکاب گناه کند. اما در این صورت آنها بیشتر شبیه ربات ها می بودند، نه انسان هایی که حق انتخاب دارند.

داشتن حق انتخاب به این معنی بود که آنها آزاد بودند که دوست بدارند یا آزاد بودند که عصیان و تمرد کنند. حتی در این انتخاب، آنها همه چیز را به نفع خود داشتند: آنها خدا را شخصاً می شناختند. آنها عواقب انتخاب خود را از قبل به وضوح می دانستند چون عواقب ارتکاب گناه را خداوند برای شان بیان کرده بود. آنها در یک محیط کاملاً ایده آل و عالی بودند، دقیقاً شبیه بهشت.

و با این حال آنها با استفاده از حق انتخاب، گناه را انتخاب کردند. نتیجه انتخاب آدم و حوا [نافرمانی از خداوند] به صورت [گناه]، بر همه ما نازل شد. رومیان فصل 5 آیه 12 آن را اینگونه توضیح می دهد: «پس، همان گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین سان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، چرا که همه گناه کردند.»

در فصل بعدی ما خواهیم دید که معنای قسمت «مجازات مرگ انسان بر اثر گناه» چیست. اما اکنون این را به یاد داشته باشید که همه انسان های روی کره زمین، به عنوان نسل آدم، با یک «طبیعت گناه» به دنیا آمده اند که تمایل به انجام کار های ناصواب و نادرست دارند.

اگر پدر و مادر هستید، درک این موضوع سخت نیست. شما هرگز شرارت پیشه گی و انجام کارهای ناپسند را به اطفال تان یاد نداده اید. مطمئناً که هیچ پدر و مادری به اطفالشان کارهای بد را آموزش نمی دهند. مطمئناً که شما مثلاً هرگز به اطفال تان نگفته اید: «امروز، من به تو یاد می دهم چگونه دروغ بگویی. اگر خوب عمل کنی، فردا یاد می گیریم که چگونه عصبانی شویم. شاید هفته آینده، بهترین راه برای دزدی و آزار مردم را به تو نشان دهم.» هرگز! این کار حتی از بدترین والدین هم بر نمی آید که فرزندان خود را با چنین کلماتی آموزش بدهند و راهنمایی کنند. ما هرگز به فرزندان خود نمی آموزانیم که چگونه گناه کنند - همانطوریکه هیچ کس [والدین ما] به ما یاد نداده است. همه ما از قبل با دانستن «چگونه انجام دادن گناه» به دنیا آمده ایم. اگر چنین نیست، طفل ما خشونت و داد زدن و دروغ گفتن و حسادت و کینه را چگونه و چگونه یاد گرفته است؟

گناه از درون ما می آید. به همین دلیل است که خداوند می گوید ما همه گناهکاریم.

مقیاس اندازه گیری الهی

شاید شما هم معترف باشید که مانند هر انسان دیگری، کامل نیستید - و یا این که گاهی اوقات، در برخی عرصه ها، آن طوریکه باید باشید، نیستید - اما هنوز هم تردید دارید که خود را «گناهکار» خطاب کنید. بالاخره شما نیت خیر و قلبی مهربان دارید و در مقایسه با همسایه ها، همکاران یا مادرشهرتان (مخصوصاً مادرشهرتان⁵) در واقع انسان بسیار خوبی هستید.

با مقیاس اندازه گیری الهی - قانون خدا، خودتان را اندازه بگیرید.

می بینید، ما دوست داریم که خودمان را با اشتباهات گاه و بی گاهی که از ما سر می زند، همچنان خوب بدانیم. اما چون این ما نیستیم که سرنوشت خود را تعیین می کنیم، باید به معیار خدا نگاه کنیم. و او آن را در سراسر کتاب مقدس به ما داده است، شاید به طور خلاصه در آنچه ما «ده فرمان»⁶ می نامیم.

⁵ بهتر بودن از "مادرشهر بودن، در حقیقت کنایه طنزگونه است چون اغلباً عروس ها از مادرشهرشان راضی نیستند." (مترجم)

⁶ رجوع شود به آخر کتاب *

با این حال، چیزی است که باید در مورد این مقیاس اندازه گیری بدانید. بسیاری از مردم تصور می کنند که اگر ده فرمان را رعایت کنند، استانداردهای خدا را برآورده کرده اند و بهشت خداوند را با انجام و امتناع از انجام برخی از امور، بدست آورده اند. این فرض مملو از مشکلات است - مهم ترین آنها این است که اکثر افرادی که به این مسئله اعتقاد دارند حتی نمی توانند ده فرمان را نام ببرند، چه رسد به اینکه مطابق به روحیات ده فرمان خداوند زندگی کنند.

اما مهمتر از آن این است که خدا حتی یک بار هم به ما نگفته است که راه رسیدن به بهشت اطاعت از احکام است. برعکس، او می داند که ما نمی توانیم به دستورات او عمل کنیم. بنا خداوند احکام اش را به عنوان چک لیست انجام اعمال نه، بلکه به عنوان آینه تمام نما برای یاد گرفتن امور خیر و شر، و مقیاس به ما فرستاده است. او از ما می خواهد که شرایط خود را در این وضعیتی که هست ببینیم.

به عبارت دیگر، ممکن است تا زمانی که در آینه ده فرمان نگاه کنیم و «شهادت دروغ مده» را ببینیم و متوجه شویم که این کار را می کنیم - حداقل گاهی اوقات دروغ می گوئیم، فکر می کنیم که خیلی خوب عمل می کنیم. سپس متوجه می شویم که آنقدرها هم که می گوئیم و می خواهیم، بی عیب و نقص نیستیم.

در واقع، اگر به هر ده تا از این فرمان ها - با مقیاس اندازه گیری خدا - با شفافیت و صادقانه نگاه کنیم، خواهیم دید که چقدر از معیار کامل که مقصود خداوند است، فاصله داریم. به همین دلیل است که خدا می گوید ما از جلال خدا کوتاه می آییم.

هیچ کس دوست ندارد کوتاه بیاید، بنابراین ما راهی برای دور زدن آن پیدا می کنیم. ممکن است خودمان را با شخص دیگری مقایسه کنیم. ما استدلال می کنیم: «شاید من کامل نباشم، اما حداقل به اندازه پسر عمویم، به اندازه دختر عمویم، به اندازه فلان رفیق و یا به اندازه فلان همکارم که همیشه در حال بدگویی از دیگران است و همیشه دیرتر از دیگران به محل کار می رسد و زودتر از همه کار را ترک می کند، بد نیست.»

این مثال من را به یاد پسر کوچکی می اندازد که به مادرش گفت: «مادر! قد من 180 سانتی متر است!» وقتی مادرش از او پرسید که چگونه این ممکن است؟ پاسخ آن کودک این بود که: «من کفش های بابام را به پاهام کرده ام.» مادرش لیخندی زد و به او گفت که ممکن نیست که کفش پدرش بتواند قد او را 60 سانتی متر بلندتر بسازد. و پاسخ آن کودک جالب بود که گفت: «اما، مامان»، «این کفش ها به اندازه کافی مرا بلند تر می سازند و باید چنین باشند - چون اولا کفش ها مال پدرم است و ثانيا چون من آن را پوشیده ام، باید من را 180 سانتی متر ساخته باشد!» برای کوتاه نیامدن و به ویژه زمانی که از مادرمان می خواهیم تا قضاوت مان بکند، شاید چنین چیزی را توقع داشته باشیم، ولی همه مادر ما نیستند و مقیاس اندازه گیری خدا، با مقیاس اندازه گیری انسان ها/مادر ما، کاملاً متفاوت است.

بسیاری از مردم معتقدند که آنها بسیار خوب هستند زیرا از استانداردهای ناقص استفاده می کنند - (خود را با دیگران مقایسه می کنند).

مشکل این استدلال اینجاست: خدا ما را با شخص دیگری مقایسه نمی کند. خداوند کاملاً عاری از گناه است. اگر او ما را با معیاری غیر از خودش مقایسه کند، دیگر مقدس نخواهد بود، زیرا هر فرد دیگری که معیار مقیاس ماست، نیز گناهکار است. او نمی تواند مقدس باشد و ما را با معیارهای نامقدس مقایسه کند.

حتی اگر تنها فرمانی که تا به حال زیر پا گذاشتیم یک فرمان بود - مثلاً دزدی - به اندازه کافی به دردسر می افتادیم. کتاب مقدس به ما می گوید: «کسی که همه احکام خدا را مو به مو اجرا کند، ولی در یک امر کوچک مرتکب اشتباه شود، به اندازه کسی مقصر است که همه احکام خدا را زیر پا گذاشته است» (یعقوب 2:10).

به قانون مثل یک زنجیر فکر کنید. اگر همه حلقه ها به جز یک حلقه سالم بود - آیا برای تحمل وزن خود روی آن زنجیره حساب می کردید؟ البته که نه. چون اگر یک حلقه بگسلد، کل زنجیره از هم میگسلد.

پس چرا باید روی خوبی خود حساب کنیم تا به واسطه اعمال خوب خود، خود را مستحق رفتن به بهشت بدانیم؟ در حالی که می دانیم هیچ کس نمی تواند به گونه کامل خوب باشد؟⁷ حساب کردن روی خوبی هایمان مانند حساب کردن روی یک زنجیر شکسته است. اگر بخواهیم خودمان را با قانون توجیه کنیم، باید در تمام نکات قانون به طرز شگفت انگیزی کامل باشیم، که این موضوع، تقریباً محال است.

اما ما کامل نیستیم ما کوتاه می آییم. به عبارت دیگر ما گناهکار هستیم.

چرا باید این را بدانید؟

اگر تا به حال این تصویر را دریافت کرده اید که دستیابی به معیار خدا برای کمال، غیرممکن است کاملاً درست می گوید.

اما موارد بیشتری در این خصوص وجود دارد: خدا از ما انتظار ندارد که به کمال برسیم. او خیلی ساده و صمیمانه از ما می خواهد که خودمان را همان طور که هستیم ببینیم - به این ترتیب می توانیم پاسخ او را برای آنچه نیاز داریم ببینیم.

در چند صفحه آینده خواهیم دید که اعتراف به این حقیقت که ما گناهکار هستیم، در واقع خبرهای فوق العاده خوبی را به همراه دارد. اما قبل از آن خبرهای خوب، ما باید یک چیز دیگر را در مورد گناه درک کنیم - برچسب قیمت آن. شاید متوجه شده باشید، وقتی برای خرید لباس به فروشگاه های لباس می روید، بعد از مطمئن شدن از اندازه و کیفیت لباس، حتمناً برچسب قیمت آن را نیز نگاه می کنید تا مطمئن شوید پول کافی برای خرید آن دارید.

⁷ «زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه آمده اند.» (رومیان 3:23)